

برنامه تا آسمان

اسماء و صفات الهی ۲۶

رزاقیت خداوند ۷

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۲/۰۲/۰۳ مقارن با ۱۴۴۴/۱۰/۰۲ هجری قمری

(مجری)

در دومین روز از ماه شوال و سومین روز از ماه اردیبهشت خدمت شما رسیدیم، روز یکشنبه و در خدمت حجت الاسلام و المسلمین جناب حاج شیخ علی آقای رضایی تهرانی هستم که خدمتشان سلام عرض می‌کنم، عرض خوش آمد، ایام را هم خدمت شما تبریک عرض می‌کنم.

(استاد)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من هم عرض سلام و ادب و احترام دارم، خدمت حضرتعالی و همه بینندگان ثابت‌قدم این برنامه و من هم عرض تبریک دارم عید سعید فطر، عید بندگی و عید قبولی اعمال را برای همه.

(مجری)

سلامت باشید، خیلی خوش آمدید، ممنونم که امروز هم قبول زحمت کردید و در برنامه ما حضور دارید. بحث ما روزهای یکشنبه خدمت حاج آقای رضایی تهرانی در مورد صفات حضرت حق است و در مورد صفت رزاقیت چند جلسه است که صحبت می‌کنیم. ان شاء الله اگر بشود، این جلسه بحث را جمع‌بندی خواهیم کرد و صحبت به این جا رسید، عواملی که باعث گشایش روزی هستند را حاج آقا برای ما تعدادی‌اش را به طور جزئی هم فرمودند و ادامه بحث گشایش روزی را امروز می‌فرمایند و این سوال هم در بین سوالات به چشم خودم خیلی جالب آمد که آیا حتماً باید به نیت گشایش روزی، عوامل گشایش روزی را انجام داد تا روزی گشایش یابد یا نیت شرط نیست که ان شاء الله به آن خواهیم رسید و سوالاتی از این قسم که ان شاء الله سر وقتش مطرح می‌کنم و پاسخش را دریافت خواهیم کرد.

حاج آقا باز هم برایمان بفرمایید، برخی از عواملی که باعث گشایش روزی می‌شود و در دین مبین اسلام به آن اشاره شده است.

(استاد)

بله، از عواملی که بر آن تأکید شده نظافت و تمیزی است. انسانی که هم از نظر سلوک فردی، هم از نظر سلوک خانوادگی و اجتماعی کثیف است و تمیز نیست، روزی بر او تنگ می‌شود. در میان اقسام نظافت، بر کوتاه کردن شارب و سبیل و گرفتن ناخن تأکید بیشتری شده است، مخصوصاً بر گرفتن ناخن در روز جمعه که در روز جمعه تأکید فراوانی داریم که اگر کسی ناخن‌های خود را قصر کند، یعنی کوتاه کند، روزی او فراوان می‌شود.

مورد دیگر، شستن سر با ختمی است، بخصوص در روز جمعه، مستحضرید بخشی از دستورات بهداشتی که در دین ما آمده است، امروزه کشف شده که چه مقدار برای بدن مفید است. مثلاً اگر به ما گفتند که با فلان چوب فلان درخت مسواک بزنید، امروزه مشخص شده است که خاصیت ضد سرطان لثه دارد و وقتی که من با این چوب مسواک می‌زنم، سرطان دهان و دندان از من دور می‌شود. حالا از اموری که بر او تأکید شده است که حتی روزی را گشاده می‌کند شستن سر با ختمی است که از گذشته یکی از ابزارهای شستن سر بوده است، بخصوص در روز جمعه. مورد دیگر، نوشتن سه ذکر در انگشت است، البته انسان اگر ذکر بر انگشت نوشت باید بتواند محافظت کند که مبدا دست نجس بر روی او نکشد یا دست بدون طهارت بر روی او نکشد، ذکر «ما شاء الله»، ذکر «لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، و ذکر «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ».

«ماشاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، این ۳ ذکر اگر بر روی انگشتر نوشته باشد، مایه گشایش روزی است. مستحضرید اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تأکید داشتند بر داشتن انگشتر در دست و ائمه (علیهم السلام) هر کدام انگشتری داشتند که بر آن ذکری نوشته بوده است و اذکاری که اهل بیت (علیهم السلام) بر روی انگشتر می نوشتند، امروزه در تاریخ برای ما مسجل، معین و روشن است. این ذکر «ماشاء الله، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، اگر روی انگشتر نوشته بشود و به دست شود، در گشایش روزی نقش دارد. مورد دیگر اینکه بخشی از نامها در منزل وجود داشته باشد.

(مجری)

برای فرزندان منظورتان است؟

(استاد)

برای فرزندان یا پدر و مادر، عمده این است که در خانه این نامها باشد، حالا یا پدر و مادر به این نامها نامیده شده باشند یا فرزندان. خب اصل نامگذاری برای کودک بسیار مهم است و لذا در روایت داریم که در روز قیامت کودکی که بر او نام بد یا نام بی معنا گذاشته شده است، از دست پدر و مادر شکایت می کند، سرش هم این است که ما در صححه قیامت فامیلی نداریم، همه را با نام می خوانند، چون نام او برده می شود و نام، نام نیکی نیست، خجالت می کشد و لذا آنجا از پدر و مادر شکایت می کند. نامها عبارتند از نام شریف احمد، محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه که این پنج تن در ذهن ما می ماند چون خمسه طیبه اصحاب کساء هستند؛ احمد، محمد، علی، حسن، حسین و فاطمه. ابوجعفر که از کنیه های اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است، مثلاً امام باقر (علیه السلام) کنیه اش ابوجعفر است، امام جواد (علیه السلام) کنیه اش ابوجعفر است. ابوطالب که کنیه پدر امیرمؤمنان (سلام الله علیه) است و عبدالله، گفتند این اسامی اگر در خانه بوده باشد، برای گشایش روزی نقش دارد. حضرت ابوطالب (علیه السلام) خب بسیار گشاده دست بوده است، این نام وقتی روی شخصی گذاشته می شود، به هر حال تأثیر معنوی خود را دارد.

دیگر از مواردی که نقش دارد در اینکه انسان روزی اش گشایش پیدا کند، این است که انسان اهل مسواک زدن باشد، حداقل دو بار در روز. عجیب است، در زمانه ای که مردم در حجاز، در اوج کثیفی زندگی می کردند، دینی پا به عرصه وجود گذاشته که امروزه ما در ارتباط با نظافت و بهداشت، صدها حدیث و آیه داریم. اصلاً کتاب الطهاره که در فقه که کتاب بزرگی هم هست، یعنی سیستم بهداشتی اسلام. اسلام و خصوص نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بر روی مسواک زدن تأثیر بسیاری داشتند که لااقل دو بار در روز (مسواک زده شود). در تاریخ داشتیم وقتی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سفر می رفتند، یک جعبه ای داشتند، ۵ چیز همراهشان بود و این ۵ چیز از حضرت جدا نمی شد، مثل مسواک، مثل شانه، مثل آئینه که حالا خودشان را ببینند، یک موقع سر و صورت نامرتب نباشد، سرمه دانی داشتند حضرت، آن را با خودشان می بردند و عطر، اینها حتماً همراه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بود. ببینید هر ۵ تا مربوط به بحث بهداشت و نظافت و زیبایی است و این نشان می دهد چقدر اسلام در این زمینه تأکید دارد که دهان مومن بو ندهد، مومن خوشبو باشد، بدنش، لباسش و اینها در گشایش روزی نقش دارد.

دیگر از اموری که نقش دارد در گشایش روزی، ۳ بار زیارت امام حسین (علیه السلام) در سال یا حداقل یک بار در سال است. فراوان روایت داریم که خدمت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می رسیدند، از فقر شکایت می کردند، حضرت می فرمودند زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) برو و تحت القبه برای خودت دعا کن. حالا آمده است، فقیر است ولی آنقدر این سفر ارزش دارد و برای گشایش روزی نقش دارد که می گوید خودت را به سمت حرم مطهر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بکش، ۳ بار در سال، نشد ۱ بار در سال (به زیارت برو).

دیگر از موارد، تکرار خواندن آیت الکرسی است. مستحضرید که قرآن کریم حدود ۳۰ اسم دارد، ذکر، قرآن، فرقان، شفاء و امثال ذلک. سوره های ۱۱۴ گانه هر کدام لااقل یک اسم دارند، گاهی چند اسم دارند، مثلاً فاتحه کتاب حدود ۱۰ اسم دارد اما آیات قرآنی که شش هزار و اندی است، همه دارای اسم نیستند، بخشی از آیات که غرر الآیات هستند، آیات برجسته هستند، اینها اسم دارند؛ یکی از غرر آیات، آیت الکرسی است که آیت الکرسی را معمولاً همه مردم ما حفظ هستند. تکرار آیت الکرسی، پشت رل نشستی، صد بار آیت الکرسی بخوان، داری

سفر می‌روی، هزار بار آیت الکرسی بخوان.

(مجری)

منظور همان آیه اول آیت الکرسی است؟

(استاد)

(بله)، همان آیه اول آیت الکرسی است، این دو آیه دیگر تکمیلی است. همان آیه اول آیت الکرسی خوانده بشود، «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»، تا آخر در حقیقت، این آیه آیت الکرسی مضامین بلندی دارد.

«وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا»، این آیه تکرار که بشود، در گشایش روزی نقش دارد.

دیگر از موارد، خواندن سوره مبارکه ممتحنه در نمازهای واجب و مستحب است. خب سوره ممتحنه سوره خیلی طولانی‌ای هم نیست، این را اگر انسان در نمازهای واجب و مستحب بخواند، روزی را گشایش می‌دهد.

مورد دیگر، زیاد خواندن سوره مبارکه‌ای که به نام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است و دیگر تکرار در خواندن سوره توحید است. در تاریخ داریم که در یک جنگی، امیرالمومنین (علیه السلام) سرلشکر بود، مسلمانان رفتند و برگشتند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از مسلمانان پرسیدند، علی (علیه السلام) چطور بود؟

گفتند که خیلی عالی بود از هر جهت، فقط ما یک مسئله را نفهمیدیم و آن اینکه در تمام نمازها علی بن ابیطالب (علیه السلام) سوره توحید خواند. گویا در آن زمانه، حضرت در اوج معرفت عرفانی و فنایی بودند و این حال اقتضا می‌کرده است که سوره توحید را قرائت کنند. سوره توحید شناسنامه خدای متعال است، بعضی‌ها خیال می‌کنند سوره توحید جایز نماز است، نه، تکرار سوره توحید تأثیرگذار است. شب عید فطر پریشب بود، یکی از اعمالش دو رکعت نماز بود، رکعت اول بعد از سوره حمد، هزار بار سوره توحید، رکعت دوم یک بار سوره توحید، نماز ۱۰۰۱ سوره توحیدی که حالا یکی از اعمال بود. این بخشی از عوامل گشایش روزی است.

(مجری)

خیلی متشکرم، یک بخشی را ببینیم، فرازهایی از خطبه‌های مولا علی (علیه السلام) در نهج البلاغه را با هم مرور می‌کنیم، برمی‌گردیم، سوالات دیگری را خدمت حاج آقا مطرح می‌کنیم.

(تیزر)

خطبه ۱۶۰

هر امیدواری جز امید به خدای تعالی ناخالص است و هر ترسی جز ترس از خدا نادرست است. گروهی در کارهای بزرگ به خدا امید بسته و در کارهای کوچک به بندگان خدا روی می‌آورند. پس حق بنده را ادا می‌کنند و حق خدا را بر زمین می‌گذارند. چرا در حق خدای متعال کوتاهی می‌شود و کمتر از حق بندگان رعایت می‌گردد. آیا می‌ترسی در امیدی که به خدا داری دوغگو باشی؟! یا او را در خور امید بستن نمی‌پنداری؟!

امیدوار دروغین اگر از بنده خدا ترسناک باشد، حق او را چنان رعایت کند که حق پروردگار خود را آنگونه رعایت نمی‌کند. پس ترس خود را از بندگان آماده و ترس از خداوند را وعده‌ای انجام‌نشدنی می‌شمارد و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد که دنیا را بر خدا مقدم شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نپردازد و بنده دنیا گردد.

(پایان تیزر)

(مجری)

بحث ما خدمت حاج آقای رضایی تهرانی، صفت رزاقیت حضرت حق است و باز هم در مورد عواملی که باعث گشایش روزی می‌شوند، حاج آقا موارد دیگری را فرمودند.

من یک سوال دیگر را مطرح کنم، باز ان شاء الله ادامه بحث را خواهیم گفت از این موارد، اینکه آیا هر عاملی که روزی را گشاده می‌کند، انجام‌ندادنش روزی را می‌کاهد؟

(استاد)

خیر، دوگونه است، بعضی از عوامل هستند که انجامش روزی را گشاده می‌کند و ترکش روزی را می‌کاهد، مثل بیداری بین الطلوعین، بیداری بین الطلوعین روزی را گشاده می‌کند، ولی اینگونه نیست که اگر من از اذان صبح تا طلوع آفتاب خوابیدم، روزی ام تنگ نشود، چرا، اتفاقاً ترک آن هم روزی را تنگ می‌کند و لذا گفتند که آن روز

اصلاً شما میهمان خودت نیستی، میهمان سفره خودت نیستی، گدای سفره دیگران هستی، سرریز سفره دیگران به تو داده می‌شود، کأنَّ آن روز شما روزی نداری. برخی از عوامل هست، چنین نیست، یعنی اگر انسان انجام بدهد، روزی‌اش گسترش پیدا می‌کند، اینگونه نیست که اگر انجام ندهد، روزی‌اش گسترش پیدا نکند، تنگ هم بشود. نه، برخی از دعاها است که اگر این دعاها را خواندیم، روزی ما گسترش پیدا می‌کند، اگر نخواندیم، اینگونه نیست که روزی ما تنگ بشود. اگر عوامل تنگی روزی را که خواهیم گفت، انجام دادیم، روزی ما تنگ می‌شود، وگرنه نه (روزی ما تنگ نمی‌شود).

(مجری)

درست است، سوالی است که اول برنامه هم عرض کردم. آیا حتماً باید به نیت گشایش روزی، عوامل گشایش را انجام داد تا روزی گشایش پیدا کند یا نیت شرط نیست؟

(استاد)

دوگونه است، برخی از کارهایی که ما برای گشایش روزی انجام می‌دهیم، این‌ها عبادت اصطلاحی نیست، دستوری است به ما دادند که ما این دستور را انجام بدهیم، مثل گرفتن ناخن در روز جمعه. من اگر در روز جمعه ناخن‌هایم را گرفتم، این احتیاج به قصد قربت ندارد. ناخن‌هایم را که در روز جمعه بگیرم، خدای متعال در عالم تکوین که آمده هر چیزی را علت چیزی قرار داده است، استامینوفن را علت قطع و بریده شدن تب قرار داده، سمقونیا را مثلاً علت چیز دیگری قرار داده است، آمده و گرفتن ناخن در روز جمعه را علت گشایش روزی قرار داده است، حالا نیت لازم است؟

خیر، من اگر عمری روز جمعه عادت داشته باشم ناخن‌هایم را بگیرم، روزی من گشاده می‌شود، گرچه من نیت نکنم. ولی یک موقع عامل گشایش روزی مثلاً دعا است که می‌رسیم، چون بعضی از این دعاها را باید آنالیز کنیم. خب دعا عبادت است، من دعا را باید به قصد قربت بخوانم، حالا من بردارم در یک جمعی به قصد تمسخر این دعا را بخوانم، بعد هم مسخره کنم که نگاه کن، ببین چه گفته است؛ خب اینطور دعا خواندن تأثیری در گشایش روزی ندارد. دعایی که به قصد گشایش روزی خوانده می‌شود، باید به قصد گشایش روزی و عبادت باشد که اگر این قصد نباشد، تأثیری در گشایش روزی ندارد.

(مجری)

آیا مومن باید طالب گشایش روزی باشد و یا طالب فقر همراه با صبر؟

(استاد)

سوال خوبی است، ببینید ما در دینمان این دو مترتب بر هم ذکر شده است، یعنی چه؟ یعنی گفته می‌شود که خدایا من را روزی بده، با ظرفیت. چون گاهی وقت‌ها روزی انسان گشاده می‌شود، انسان ظرفیت ندارد و همان گشایش روزی باعث می‌شود که انسان از دین خارج بشود یا سبک‌دین می‌شود، شل‌دین می‌شود.

می‌گوییم که خدایا به من روزی گسترده با ظرفیت بده، اگر نخوابی روزی گسترده با ظرفیت به من بدهی، به من روزی با کفاف بده.

(مجری)

به اندازه کفاف باشد.

(استاد)

به اندازه کفاف باشد، لازم نیست حالا من دست این را بگیرم، دست او را بگیرم، چون توان ندارم، خودم توان مالی ندارم، ولی به گونه‌ای باشد که من دستم پیش کسی دراز نباشد. من روزی با کفاف و اندازه داشته باشم که در روایت هم داریم، «وَخَيْرُ الرِّزْقِ مَا كَفَى^۲»، این نوع روزی، بهترین نوع روزی است، نه آفات فقر را دارد و نه آفات غنا را دارد، در حدی است که انسان به تعبیر ما زندگی‌اش آبرومندانه اداره است، محتاج کسی نیست.

مرحله سوم، می‌گوید که خدایا اگر روزی گسترده به من ندادی، روزی با کفاف هم روزی من نشد و من طبق قضا و قدری که تو می‌دانی، قرار شد در فقر به سر ببرم، ظرفیت تحمل این فقر را به من بده و لذا روایت تعبیر

می‌کند: «فَقْرُ مَعَهُ الصَّبْرُ ۳»، فقری باشد که انسان در مقابل آن صبور باشد و لذا در بعضی از روایات داریم که عالم به چند چیز سرپا است، یکی ثروتمندان بذول که اگر این‌ها نباشند، خیلی از بارها برداشته نمی‌شود، می‌گوید که در کنار این‌ها فقیران صبور (است). اگر بخواهد که همه گدایان، گدایان سامرایی به تعبیر معروف باشد که من دیده بودم آن نوع گدایی را، گداهای پرروی آبروبر، آبروبریز، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، باید بذولان باشند، ثروتمندان خیر، از آن طرف فقیرانی که بر فقر صبوری کنند، اینطور نباشد به‌خاطر فقر پرده‌داری کنند. پس ۳ مرحله شد، از خدا گشایش روزی می‌خواهیم، نشد، روزی کافی (را می‌خواهیم)، نشد، فقری را که من تحمل آن فقر را داشته باشم (می‌خواهیم)، که اینگونه فقر را تعبیر می‌کنند، تعبیر قرآن است «فَأَيُّ سِتِّعِفَ ۴»، یعنی کسانی که تعفف می‌ورزند، عفت می‌ورزند، یعنی نسبت به فقرشان پرده‌داری انجام نمی‌دهند. ما در مثل فارسی می‌گوییم که با سیلی صورت سرخ نگه می‌دارند، این فقر و فقیر را خدای متعال خیلی دوست دارد و لذا می‌آمدند و به انبیاء (علیهم السلام) می‌گفتند که این گداهای را از دور خودتان جمع کنید، ما ثروتمندان دور شما می‌آییم، دوسه جای قرآن کریم، خدای متعال به جد به پیغمبران گفته حق ندارید این کار را کنید، برای چه؟ این‌ها مومن هستند، ایمان در دنیا ارزش است، پول و ثروت در دنیا ارزش نیست، گاهی اوقات پول به جای اینکه نعمت باشد، نعمت است. پس این ۳ مرحله را ما در دین داریم.

(مجری)

این سوال بیننده را خیلی بجا است که بپرسم، چطور بفهمیم که گشایش روزیمان نعمت الهی است یا نعمت الهی است که ما را به استدراج می‌کشاند؟

(استاد)

بله ببینید خیلی سوال قابل توجه است، در قرآن کریم هم آمده است، بعضی‌ها خیال می‌کنند که خدا وقتی به کسی پول و پله می‌دهد، «فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۵»، می‌گویند که ما دیگر سوگلی خدا هستیم، خدا چشمش ما را گرفته است، دست به خاک بزنیم، طلا می‌شود. قرآن کریم می‌گوید که اینطور نیست، گاهی وقت‌ها من ثروت دارم می‌دهم و این ثروت، نعمت است، نعمت نیست؛ چه اینکه فقر گاهی نعمت است و نعمت نیست. یعنی ثروت، نعمت می‌شود و نه نعمت؛ فقر نعمت می‌شود و نه نعمت، کاملاً برعکس.

حالا سوال بیننده این است، من چه کار کنم، اگر دستم به دهانم رسید و دیدم دارم ثروتمند می‌شوم، بفهمم این ثروت، نعمت است و یا نعمت. خیلی راه شناختش واضح است، دو راه بیشتر ندارد، اولاً هر نعمتی شکر لازم دارد، اگر آن نعمت شکر می‌شود، یعنی نعمت است، نعمت نیست، اگر کفر می‌شود، یعنی نعمت است، نعمت نیست. شکر هر چیزی هم متناسب با خودش است، خدا به من چشم داده، من یک دور در ماه رمضان که قرآن بخوانم، اگر همه‌اش رفته فیلم و عکس ناهنجار دیدم، یعنی این نعمت را در مسیر خودش مصرف نکردم. (خدا) گوش به من که داده است، یک بار مناجات سحر حرم امام رضا (علیه السلام) را که بشنوم، اگر همه‌اش با این گوش ترانه شنیدم، این نعمت است، نعمت نیست، ثروت هم اینطور است. اگر به من ثروت داد و گفت: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ

فَلَا تَقْهَرْ ۶»، دست رد به سینه یتیم زن. اگر فرمود: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُورِ ۷». اگر من در زندگی‌ام، بخشی از ثروتم در این خیریه‌ها رفت، در دستگیری‌ها رفت، در بهزیستی‌ها رفت، برای جوان‌هایی که می‌خواهند ازدواج کنند و برای یک جهیزیه مانند، برای یک کرایه خانه مانند، معلوم می‌شود این ثروت من برای من نعمت است، نعمت نیست، یک (مورد اول که عرض شد).

دو، اگر من دیدم هرچه ثروت پیدا می‌کنم، تخضع، خشوع و خضوع من در پیشگاه الهی بیشتر می‌شود، این ثروت نعمت می‌شود؛ اگر گردن‌کشی‌ام بیشتر شد، سینه سپر کردنم بیشتر شد، نمازهایم یواش‌یواش کمتر شد، سفرهای کربلا و نجف و مدینه و مکه‌ام، سفرهای آنتالیا و لاس‌وگاس شد، معلوم می‌شود که این نعمت است، نعمت نیست. اگر تخضع برای من آورد، این معلوم می‌شود که خدا در کنار این ثروت، ظرفیت هم به من داده است، وگرنه نعمت الهی است و من باید از استدراج بترسم، استدراج یعنی چه؟

استدراج یعنی افت کردن و پایین آمدن به تدریج، بدون اینکه انسان متوجه بشود، می‌بینی این آقای نماز شب‌خوان در ایام فقر، الان دیگر نماز صبحش هم خوانده نمی‌شود، اصلاً نمی‌خواند.

این خانم محجبه الان دیگر هیچی از حجابش باقی نمانده است، این ماشین شاسی‌بلند برای این نعمت بوده، نعمت

نبوده است، آن پراید برایش نعمت بوده است، این ماشین برایش نعمت است.

(مجری)

خیلی متشکرم، یکی از بینندگان پیامی دادند و گفتند که تو را به خدا برای من دعا کنید، خدا به من انشاءالله فرزندی عطا کند. انشاءالله خداوند فرزندی صالح و سالم به همه آنهایی که آرزو دارند که انشاءالله مادر یا پدر بشوند، انشاءالله خداوند دامنشان را سبز کند و فرزندی سالم و صالح به آنها اعطا کند، انشاءالله. یک بخشی را ببینیم، آیتی از کلام وحی را با هم مرور کنیم، برمی گردیم، سوالات دیگری را خدمت حاج آقا مطرح می کنم.

(تیزر)

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۶﴾»

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس که بخواهد و شایستگی داشته باشد، دو یا چند برابر می کند و خدا از نظر قدرت و رحمت، وسیع و به همه چیز دانا است.

سوره مبارکه بقره

(پایان تیزر)

(مجری)

خدمت شما عزیزان هستیم، من حدوداً ۱۰ دقیقه فرصت دارم تا اذان اما از حاج آقا خواهش کردیم، دوستانمان هم در پخش هم هماهنگ کردند که انشاءالله اگر بشود از این به بعد بتوانیم یک بخشی را هم بعد از نماز خدمت شما عزیزان باشیم. من یک سوال دیگر از بیننده بخوانم حاج آقا، بعد ادامه عوامل گشایش را بفرمایید. گفتند که آیا خدمت به والدینی که دین و اعتقاد محکمی هم ندارند، باز مایه گشایش روزی است؟

(استاد)

بله، ببینید در خدمت به والدین، دین و اعتقاد آنها شرط نیست. قرآن کریم می فرماید: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۸».

پدر و مادری است، مشرک است، با اینکه شرک آمرزیده شدنی نیست، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ ۹»، می گوید که این پدر و مادر هم تو باید هوایشان را داشته باشی، حرفشان را گوش کنی. بله اگر خواستند تو را به گناه وا دارند، نه (نباید حرف آنها را گوش کنی).

این پدر گفت که دخترم تو باید بدحجاب بیرون بروی. دختر می گوید که من بنده خدا هستم، بعد دختر شما هستم. پس در حقیقت ولو پدر و مادر دین نداشته باشند، چه برسد به اینکه شل دین باشند، من به عنوان فرزند باید به آنها خدمت کنم، خیر آنها را بخواهم. برای آنها دعا کنم که آنها دینشان محکم شود و این در روزی نقش دارد، چون بهترین صله رحم، صله به والدین است و قبلاً عرض کردیم که صله رحم در روزی نقش دارد، دین داشتن یا نداشتن آنها از این جهت ارتباطی به فرزند ندارد.

(مجری)

این سوال هم الان به دستم رسید، البته سوال نیست، یک پیام است، می گویند که خدا قبل از اینکه نعمت بدهد، باید دلش را به بنده بدهد، تا دست کس دیگری را هم بگیرد.

(استاد)

بله همینطور است.

(مجری)

پیام بیننده بود. برخی دیگر از عوامل گشایش روزی را در این فرصتی که داریم برایمان بفرمایید تا انشاءالله بعد از نماز هم خدمت شما باشیم و ادامه صحبت (را بررسی کنیم).

(استاد)

بله، همانطور که کسانی که اهل دیانت و قرآن و مفاتیح هستند، در مفاتیح مرحوم آقای میرزا شیخ عباس قمی دیدند، خواندن دعای مبارک عشرات، بعد از نماز عصر روز جمعه در گشایش روزی نقش دارد. دعای عشرات از دعاهای خوب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. من بعد از نماز عصر روز جمعه اگر این دعا را مواظب باشم و بخوانم، روزی من گشایش پیدا می‌کند.

از دیگر مواردی که در گشایش روزی نقش دارد، شما هم حتماً یا انجام دادید و یا این عمل را مرتکب شدید، توقف طولانی بر روی کوه صفا است. مکه که می‌روید، به انسان می‌گویند که اگر انسان بر روی کوه صفا، بعضاً در بعضی از روایات و یا مروه بنشیند، ما مکه می‌رویم، می‌بینیم جمعی بر روی کوه صفا بیتوته دارند، چون شنیدند که نشستن بر روی کوه صفا (در افزایش روزی اثر دارد)، چون بر روی کوه صفا که می‌نشیند، کعبه هم معلوم است، رو به کعبه می‌نشیند. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هم گاهی بر روی صفا جلوس می‌کردند، به کعبه نگاه می‌کردند. نشستن طولانی بر روی کوه صفا که من دیده بودم، بعضی از زوار ما در حج واجب، بر روی کوه صفا ختم قرآن می‌کردند، این قدر می‌نشستند، روزی را طولانی می‌کند.

از اموری که در گشایش روزی نقش دارد، شاید ما علتش را هم خیلی نفهمیم، می‌گوید شما وقتی که حرکت می‌کنید، به جایی می‌روید، به مسیری می‌روید، برگشتتان را غیر از راهی که آمدید، قرار بدهید. رفت و برگشت از یک راه نباشد؛ رفت و برگشت از دو راه باشد، این در گشایش روزی نقش دارد و در روایات تکرار هم شده است.

دیگر از مواردی که در روزی نقش دارد، شانه کردن سر است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) از در خانه که می‌خواستند بیرون بیایند، سر و محاسن مبارکشان را شانه می‌کردند. یکی از زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به رسول خدا گفت: «یا رسول الله، أنت؟»، شما هم از این کارها می‌کنید، مثلاً این کار جوان‌ها است و کسانی که (سنی از آن‌ها نگذشته باشد).

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند که بدن مومن به تعبیر من مثل نفس مومن محترم است و لذا به همین جهت مومن باید به بدن خود هم رسیدگی کند و اهتمام داشته باشد.

دیگر از اموری که در روزی نقش دارد، قبلاً هم اشاره کردیم، ازدواج کردن است، نفس ازدواج کردن روزی را گشایش می‌دهد. آیه‌اش هم مشخص بود، «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۱۰».

دیگر از اموری که نقش دارد، خلال کردن دندان‌ها است که امروزه به جای خلال، نخ کشیده می‌شود که این هم باز به همان سیستم بهداشتی برمی‌گردد.

مورد دیگر، رفق و مدارا است، اینکه انسان متشدد نباشد، اهل رفق باشد، اهل مدارا باشد، اهل اینکه به دیگران فشار نیاورد باشد. حالا طرف از تو قرضی گرفته، سر موعدهش هم رسیده، می‌دانی هم که ندارد، آیه هم این است «وَإِنْ كَانَ دُوعُسْرَةً فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۱۱»، اگر دیدید ندارد، صبوری کنید تا حالا دستش باز بشود، اگر می‌دانید که

آدم متعهدی است. از آن طرف هم گفته است، «مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ، وَإِذَا تَبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَىٰ مَلِيٍّ فَلْيَتَّبِعْ».

آدمی که دارد و نمی‌دهد، این عقوبتش جایز است. پس در حقیقت رفق و مدارا به زن و بچه (از عوامل گشایش روزی است). من یک زائری داشتم، اتاق ما در مدینه آمده بود، داشت از خودش تعریف و تمجید می‌کرد. می‌گفت حاج آقا من شب که منزل می‌روم، پشت در منزل می‌بینم بچه‌ها سروصدایشان دارد می‌آید، خانمم دارد با این‌ها حرف می‌زند. می‌گفت که به مجرد اینکه من وارد می‌شوم، هر کس یک گوشه نشسته است، سکوت (برقرار می‌شود). من شوخی کردم، گفتم که بفرمایید پس عزرائیل وارد می‌شود به جای اینکه پدر وارد بشود، این چه تعریفی است تو داری از خودت انجام می‌دهی.

دیگر از مواردی که نقش دارد، روزه گرفتن چهار روز از ماه شعبان است. ماه شعبان ماه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، روزه‌اش هم مورد تاکید است. امیرالمومنین (علیه السلام) هم فرمودند که از وقتی جارچی پیغمبر (صلی الله علیه و آله) جار زد در مدینه که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است که شعبان ماه من است، هر کس روزه بگیرد، آتش جهنم او را مس نمی‌کند، من تا الآن همه شعبان‌ها را روزه گرفتم. حالا ما مثل امیرالمومنین (علیه السلام) همه شعبان‌ها را روزه نمی‌گیریم، چهار روز در ماه شعبان که روز اولش خیلی مهم

است، روز پانزدهم خیلی مهم است، روز بیست و هفتم و آخر خیلی مهم است، به هر حال این روزی را گشاده می‌کند.

دیگر از مواردی که روزی را گشاده می‌کند، نوشتن سوره دخان و قرار دادن آن در محل کسب است. می‌خواهی روزی‌ات زیاد بشود، با خط خودت در برگه‌های محکمی، سوره مبارکه دخان را بنویس، این را در یک جایی در مغازه‌ات قرار بده.

(مجری)

ما بنویسیم پس در استودیو بگذاریم، دوستان هم منتفع می‌شوند.

(استاد)

بله، ان شاء الله همه روزی‌شان گشاده بشود. حالا طرف می‌گفت که من این کار را کردم، در یک اداره‌ای کار می‌کردم، مدیر پولدار شد؛ ولی به هر حال این است که حالا سوره دخان معجزه می‌کند در اینکه کسب و کار رونق پیدا کند.

(مجری)

از دوستانی که خوش خط هستند، می‌خواهم که بنویسند.

(استاد)

خواندن سوره مبارکه صافات هر روز جمعه، هر روز جمعه سوره مبارکه صافات خوانده بشود. مداومت بر خواندن سوره مبارکه ق در نمازهای واجب و مستحب، ببینید همانطور که عرض کردم، ممکن است ما علل و ارتباطات را نتوانیم کشف کنیم، همه دین اینطور است.

(مجری)

من از آن موقع دارم به این فکر می‌کنم، از یک مسیر بروم، از یک مسیر دیگر برگردم، این چه نقش (در گشایش روزی) می‌تواند داشته باشد.

(استاد)

آن‌جا که روشن است، چون این طرف جمعه‌بازار است، تو غافل بودی؛ حالا می‌ایستی چیزی می‌خری، چیزی می‌فروشی، آن‌جا حالا توجیه دارد ولی سوره ق را من در نمازهای واجب و مستحب بخوانم، در تکوین چه اثری می‌گذارد، این چندان برای من روشن نیست.

مداومت بر خواندن سوره مبارکه قیامه، من سوره قیامه را (بخوانم). حالا خدا را شکر در این دستورات من ندیدم که مداومت بر خواندن سوره مبارکه بقره (داشته باشیم)، حال ما را رعایت کردند و سوره، سور کوچکی است، وگرنه شاید ما نمی‌توانستیم بخوانیم.

سخن نگفتن در دستشویی، بجز ذکر حق، در بیت الخلاء، انسان سخن اگر خواست بگوید، می‌تواند ذکر بگوید، غیر از آن، آن‌جا جای سخنرانی و حرف زدن و مکالمه کردن و این‌ها نیست. گاهی من دیدم بعضی‌ها در دستشویی هم که می‌روند، با موبایل دارد می‌رود و حرف می‌زند، آن‌جا گفتند که ساکت باش و سخن گفتن مایه حتی تنگی روزی هم می‌شود.

خب، گفتن تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) که ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه سبحان الله، ۳۳ مرتبه الحمد لله، ببینید چه شد؟

پس در این ترتیب سبحان الله بر الحمد لله مقدم شد، ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه سبحان الله، بعد ۳۳ مرتبه الحمد لله، این تغییر کرد، ما نظیر این تعبیر را قبل از زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) هم داریم، در آن‌جا هم (به این شکل عرض می‌کنیم) و اصلاً یک نوع گفتن تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که آثار خاص خودش را هم دارد.

صفحه ۲۰۵ کتاب فلاح السائل مرحوم سید بن طاووس، گفتند این ذکر را که اینطور گفتی، یک دعای کوتاه هم دارد، آن دعا هم کنارش خوانده بشود، این باعث می‌شود که روزی ما گشاده بشود. ما چقدر فرصت داریم؟

(مجری)

حدوداً ۳۰ ثانیه.

(استاد)

یکی دیگر هم عرض بکنم، در حقیقت باید به دعاهایی بپردازیم که در زمینه به اصطلاح وسعت روزی آمده که از مهم‌ترین این دعاها دعایی ست که مرحوم آقای شیخ عباس قمی در مفاتیح به عنوان تعقیبات نماز عشاء ذکر کرده است.

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيَسَّرُ لِي عِلْمَ مَوْضِعِ رِزْقِي وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ»، می‌گویی که خدایا من نمی‌دانم فردا روزی‌ام کجا مقدر شده است، آن چیزی را که می‌فهمم، دنبالش می‌روم، من دنبال گردوی پوک نروم، دنبال جوی خشک نروم، مهم این است، می‌گویی که خدایا دارم لنگ می‌اندازم، من نمی‌دانم روزی‌ام کجا مقدر است. آن دعا، دعایی است که کوتاه هم هست، خیلی مفید و موثر است.

(مجری)

حاج آقا من می‌خواهم سراغ عواملی که باعث کاهش روزی می‌شود بروم، تحت این عنوان، این سوال را مطرح کنم که عوامل کاهش و تنگی روزی چه اموری هستند؟

(استاد)

بله، عوامل فراوانی هستند که باعث تنگی روزی می‌شوند و قبلاً هم به صورت کلی عرض کردیم، این عوامل گاه بعضی از گناهانند، حالا گناهان صغیره یا کبیره، به طور کلی اگر بخواهیم بگوییم و گاه برخی از اموری که خلاف مروت است، گرچه گناه هم نباشد و برخی رذائل اخلاقی، این ۳ دسته معمولاً به صورت کلی عوامل تنگی روزی و کاهش روزی است. همانطور که در عوامل گشایش روزی هم عرض کردم، ارتباط این عوامل با تنگی روزی ممکن است برای ما مشخص نباشد؛ ولی برای خدای متعالی که به انبیاء و اوصیاء وحی کرده است، الهام کرده است و از زبان آن‌ها این مباحث گفته شده است، روشن است و روشن بوده است، چون خدای تشریح همان خدای تکوین است و ما همانطور که از تکوین هنوز یک درصد را کشف نکرده‌ایم، از علل و عوامل تشریح هم خیلی از امور را هنوز کشف نکردیم. ان‌شاءالله امام زمان (سلام الله علیه) بیایند و مسائل را برای ما روشن کنند. بعضی از این عوامل بین مردم ما هم مشهور است و بعضی شاید کمتر به گوش‌ها خورده است.

۱. عامل اول کثیفی خانه و بخصوص نزد کردن تار عنکبوت از خانه است که دیدید بین مردم هم این شهرت دارد، یعنی به مجرد اینکه تار عنکبوت می‌بینند، می‌گویند وای این را باید بزدایم که فقر می‌آورد، نداری می‌آورد، خب این متن روایت ما است که حالا در میان مردم ما مشهور شده است.

۲. دوم، در حال جنابت چیز خوردن (است). انسان به مجرد اینکه جنب شد، خوردن و آشامیدن کنار می‌رود و غسل که کرد، حالا شروع به خوردن و آشامیدن می‌کند. در حال جنابت چیزی خوردن و آشامیدن روزی را تنگ می‌کند. اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند که اگر حالا مجبور شدید به هر دلیل، یک وضو بگیرید، بعد چیزی بخورید یا بیاشامید، این وضو مبیح للصلاة نیست، یعنی اینجور نیست که با این وضو بشود نماز خواند، با این وضو بشود دست به خط قرآن کشید، با این وضو بشود داخل مسجد شد، نه، اما این کراهت خوردن و آشامیدن را که مایه تنگی روزی است را از بین می‌برد.

۳. سوم که از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده است، این است که انسان دندان‌هایش را با هر چیزی که دم دستش آمد خلال کند. یک موقع انسان با چوب خلال، خلال می‌کند یا نخ می‌کشد، من بعضی‌ها را دیدم، سوزن دستش می‌آید، لای دندان‌ش می‌کند، دارد سبزی پاک می‌کند، با ته یک سبزی شروع می‌کند دندان‌ش را خلال کند. کسی که با هر چیزی، «والتَّخْلِيلُ بِالطَّرْفَاءِ ۱۲»، با هر چیزی که دم دستش رسید، دندان‌ها را خلال کند، این مایه تنگی روزی است.

۴. چهارم، نگه داشتن آشغال در خانه که این را قبلاً به عنوان اینکه اگر آشغال را از خانه بیرون بگذاریم، روزی گشاده می‌شود، گفتم. سنت اسلامی این است که شب زباله داخل خانه نباشد، مخصوصاً زباله‌ای که نجس است، باز در میان نجاسات، دماء ثلاث زنان، آن ۳ خونی که زن می‌بیند، این‌ها هم ارواح خبیثه را جمع

می‌کند، هم جن و شیطان جذب می‌شود و هم باعث کاهش و تنگی روزی می‌شود.

۵. خب پنجم، ایستاده مو را شانه کردن، انسان، زن یا مرد، می‌خواهد مو را شانه کند، بنشیند و مو را شانه کند. خب بعضی از امور را عرض کردم، خیلی هم علتش برای ما روشن نیست.

۶. ششم، سوگند دروغ خوردن است، نفس کذب، کاذب بودن، کذاب بودن روزی انسان را تنگ می‌کند. من به نظرم این را بشود یک علتش را هم پیدا کرد، انسان تبدیل به چوپان دروغگو می‌شود، کسی دیگر حرف او را باور نمی‌کند، حالا این چقدر در کسب و کار او نقش دارد، چقدر به عنوان یک کارمند از چشم مدیران می‌افتد، چرا؟

چون حرفش صادقانه و راست نیست. به هر حال کذب و دروغ همراه با سوگند باعث می‌شود (روزی انسان تنگ شود). اصلاً سوگند خوردن در جایی که دروغ هم نیست، خیلی مورد سفارش دین نیست، چرا؟ چون من وقتی می‌گویم که به جان بچه‌ام، دارم چه می‌کنم؟ دارم جان بچه‌ام را گرو می‌گذارم، حالا وقتی که می‌گویم والله، تالله، دارم حقیقت خدا را گرو می‌گذارم. آن وقت حالا حقیقت خدا را گرو بگذارم، برای اینکه یک جنس ۱۰ هزار تومانی را ۱۲ هزار تومان بفروشم، خب نمی‌صرفد و نمی‌ارزد.

۷. ما عدد را از الآن کنار بگذاریم که راحت باشیم، مورد دیگر زنا است که قبلاً هم به آن اشاره شد که زنا روزی را تنگ می‌کند. هرچه نکاح و ازدواج روزی را گسترش می‌دهد، زنا روزی را تنگ می‌کند.

۸. مورد دیگر، اظهار حرص است. ببینید یک موقع من حریصم ولی این حرص را اظهار نمی‌کنم، یک موقع من حریص و طماع هستم و این حرص و طمع را به گونه‌ای می‌کنم که همه می‌فهمند، همه می‌گویند که عجب آدم طماعی است، عجب آدم حریصی است. این اظهار حرص و طمع روزی انسان را تنگ می‌کند و می‌کاهد.

۹. مورد دیگر خوابیدن بین وقت نماز مغرب و عشاء است، نماز مغرب و عشاء فاصله‌اش بین سه ربع تا یک ساعت و بیست دقیقه است، در طول سال یکسان نیست، بین سه ربع تا یک ساعت و بیست دقیقه فاصله مغرب و عشاء است؛ این وقت، وقت خوابیدن نیست. در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مسلمانانها مقید بودند، برعکس الآن که می‌گویند سرچراغم است، اصلاً مسجد که نمی‌رود بماند، نماز فرادای اش هم سر وقت نمی‌خواند؛ به مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) برای نماز می‌آمدند، غروب که می‌آمدند، بعد از نماز عشاء می‌رفتند. زائر ما در مدینه و مکه چنین می‌کند، گاهی وقت‌ها می‌آید نماز مغرب را که می‌خواند، بعدش قرآن می‌خواند، دعا می‌خواند، مناجات می‌خواند و بعد نماز عشاء را می‌خواند و بعد برمی‌گردد. حالا اگر آن موقع انسان خواب باشد، این خواب روزی را می‌کاهد و لذا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می‌خواست شب بخوابد که شبانگاهان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) زود می‌خوابید، قبل از وقت عشاء نمی‌خوابید. تعبیر سنن النبی این است «كَانَ يُصَلِّيُ الْعِشَاءَ وَيَأْكُلُ الْعِشَاءَ وَيَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ».

نماز عشاء را می‌خواند، یک تعشی، یک شام مختصری می‌خورد، در رختخواب می‌رفت، ۲ نصف شب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نمی‌خوابید، ۲ نصف شب سه ساعت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برای نماز شب بیدار بود.

۱۰. مورد دیگر، خواب بین الطلوعین و قبل از غروب خورشید است که این را قبلاً عرض کردیم، برعکس مفید گشایش روزی است، خوابش مفید تنگی روزی است که امروز هم توضیح دادیم.

۱۱. خب مورد دیگر، زیاد به غناء و ترانه و موسیقی گوش کردن است. در روایتی در مستدرک از امام صادق (علیه السلام) آمده است، مرحوم نوری در مستدرک نقل کرده است، جلد ۱۳، صفحه ۲۱۳، امام صادق (علیه السلام) فرمود که اصلاً اصل موسیقی گوش دادن، لازم نیست زیاد ترانه گوش بدهی، در ماشین گوش می‌دهی، در خانه گوش می‌دهی، در گوشت دائماً گذاشتی و گوش می‌دهی، نه، اصل اینکه انسان اهل ترانه و موسیقی باشد، روزی را کم می‌کند. می‌دانید ترانه باطل و موسیقی باطل، تعبیر روایات ما این است که نوح ابلیس است بر اخراج از بهشت. شیطان وقتی از بهشت رانده شد، خب بهشت بود دیگر، بهشت اسمش رویش است، درست است که بهشت برزخی بود، ولی همه چیز آماده (بود)، حالا در دنیا آمده است. می‌دانید

که شیاطین و اجنه، یخصوص کفارشان، در مناطق کثیف سکنا می‌گزینند، در بیغوله‌ها، جاهایی که کثیف است، در قدیم حمام‌هایی که کثیف بود، حالا از آن‌جا رانده شده، به این‌جا اسکان داده شده، خب بر دوری از بهشت گریه می‌کند، آن گریه‌اش به صورت ترانه و موسیقی انجام می‌شده است. اصل موسیقی از شیطان است «وَفُوحِ ابْلِيسَ عَلٰى اَخْرَاجِ الْجَنَّةِ»، است.

۱۲. خب از امور دیگر که خیلی هم مهم است، خیلی هم اهل بیت (علیهم السلام) روی آن تأکید دارند، این است که من «تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»، را ترک کنم. ترک «تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»، یعنی چه؟ ببینید، اصلاً یکی از صفات ایمانی مومن در آخرالزمان این دانسته شده است که باید زندگی‌اش حساب و کتاب داشته باشد.

(مجری)

همان که علم معاش به آن می‌گویند.

(استاد)

علم معاش به آن می‌گوییم، «تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ»، اصلاً برای اینکه من بفهمم مستطیع هستم یا نیستم و حج بر من واجب است یا نیست، به عنوان مقدمه واجب، من باید دائماً درآمد را رصد کنم، ببینم چقدر خرج دارم، چقدر ورودی، چقدر هزینه، چقدر صادرات، چقدر واردات، اگر این را ترک کنم، باری به هر جهت در مسائل مال زندگی کنم؛ این روزی انسان را می‌کاهد. شاید این از مواردی است که عقل انسان هم (به آن) قد می‌دهد.

(مجری)

تجربه انسان هم قد می‌دهد.

(استاد)

وقتی انسان رها کرد، حساب و کتابی نداشت، طبیعی است که از مایه می‌خورد.

۱۳. دیگر از مواردی که خیلی تأکید شده است، قطع رحم است. قطع رحم به شدت روزی انسان را کاهش می‌دهد، چه اینکه صله رحم به شدت روزی انسان را افزایش می‌دهد. این نکته را هم قبلاً عرض کردیم، عمده معنای صله رحم کمک‌های مادی است. این یک نکته، نکته دوم اینکه اگر صله رحم در حد غلیظش می‌خواهد به دین من ضربه بزند، خانه‌ای است، فامیل من است، من بروم بساط مشروب به پا است، ماهواره بدون هیچ کنترلی است، بچه‌های من آلوده می‌شوند، این‌جا می‌گویند که صله را باید کاهش داد؛ به این معنا که تلفن بز، پیامک بفرست. قطع نکن اما مدیریت کن که بتوانی زندگی خودت را با چالش روبرو نکنی.

۱۴. دیگر از مواردی که روزی انسان را تنگ می‌کند، با دست نشسته غذا خوردن است که این هم شاید بشود و جهاش را بفهمیم؛ خب مریضی ایجاد می‌کند، فلاکت ایجاد می‌کند. اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) مقید بودند که حتماً با دست شسته سر سفره بنشینند.

۱۵. دیگر از اموری که نقش دارد و انسان را تنگدست می‌کند، برهنه کامل خوابیدن و با همان وضع برخاستن است. به هر حال بعضی از آداب است که باید رعایت بشود و مورد توجه قرار بگیرد.

۱۶. دیگر از اموری که (رزق را) کاهش می‌دهد، شب‌خانه را رفتن و جارو کردن و یا حتی گردگیری کردن است. یعنی ای خانم خانه، می‌خواهی جارو کنی، روز این کار انجام بشود. می‌خواهی گردگیری کنی، روز این کار انجام بشود، اگر شبانگاهان انجام شود، موثر در کاهش روزی است.

۱۷. (از موارد دیگر کاهش روزی) ظرف‌ها را در خانه نشسته گذاشتن است.

۱۸. (از موارد دیگر کاهش روزی) ظرف آب را بدون درپوش نگه داشتن است. الآن دیدید، بعضی از پارچه‌ها است، در دارد، این موافق سنت است. ظرف آب برای اینکه بیشترین محافظت از آن صورت بگیرد، باید در داشته باشد.

۱۹. از مواردی که خیلی در تنگی روزی نقش دارد، نماز را سبک شمردن است. علتش هم شاید معلوم باشد، چون اولاً نماز «تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ»، تو نماز که نمی‌خوانی، پایت به زنا و دوست‌دختر و ترانه و مشروب و افرادی که حالا (مناسب نیستند)، کشیده می‌شود، معمولاً که حالا اینطوری است دیگر. هر کدام از آن گناه‌ها یک عامل تنگی روزی است، گذشته از اینکه وقتی نماز نمی‌خوانی، یعنی خدا را شکر نکرده‌ای. گفت: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ۗ».

۲۰. مورد دیگر، در خارج شدن از مسجد تعجیل کردن است. مسجد رفتی، (برای خروج) عجله نداشته باش، حالا هنوز نماز خوانده و نخوانده (برای خروج عجله نداشته باش). من یادم است مرحوم آقای مرعشی، نماز مغرب و عشاء را در قم تند می‌خواند، بعضی از بازاریان دو تا نمازشان را به نماز مغرب ایشان اقتدا می‌کردند، خب این چه نمازی شد دیگر. تعجیل در خروج از مسجد، نقش دارد در اینکه ما روزیمان کاهش پیدا کند.
من نمی‌دانم چه مقدار فرصت دارم.

(مجری)
یک دقیقه فرصت دارید.

۲۱. (استاد)
بله، دیگر از چیزهایی که روزی را تنگ می‌کند و به هر حال باعث این است که روزی کاهش پیدا کند، نفرین کردن بر فرزندان است. خدا نکند پدر و مادری بچه‌اش را عاق کند. من زیاد دیدم آقای قاسمی‌نیا، می‌آید می‌گوید که به هر دری می‌زنم، بسته می‌شود، در مراجعه‌کنندگانم داشته‌ام (از این موارد). می‌گویم که ارتباطت با والدینت چطور است؟
می‌گوید: «۱۲ سال است که قهرم».
می‌گویم که تو چطور زنده‌ای و راه می‌روی، ۱۲ سال است که با والدینت قهری، بعد می‌گویی که به هر جا که دست می‌زنم (به در بسته می‌خورم).
می‌گویم که حالا چرا قهری؟
می‌گوید: «با زخم نمی‌سازند».
این شد دلیل اینکه حالا این آقا می‌خواهد (ارتباطش را با والدینش قطع کند).

۲۲. لباس را بر تن دوختن است. لباس شما پاره شد، حالا الآن که چرخ است، قدیم با دست می‌دوختند. لباس را باید درآورد و دوخت، همانطور که پوشیدی داری لباس را می‌دوزی، گفتند که این تأثیرگذار است در اینکه بخواهد روزی انسان تنگ بشود.
ما مواردمان تکمیل نشد، ان‌شاءالله باید بتوانیم جلسه بعد تمام کنیم.

(مجری)
خیلی متشکرم، ممنونم از شما، فرصت گذاشتید، این موارد را برای ما گفتید، می‌دانم که خیلی‌ها یادداشت کردند که ان‌شاءالله مفید باشد و مورد استفاده آن‌ها قرار بگیرد و خدا رزق حلال همه ما و همه مومنین و مومنات و همه محبین مولا علی (علیه السلام) را ان‌شاءالله گشایش در آن ایجاد کند. از شما خیلی متشکرم، از شما هم ممنونم که امروز بیننده تا آسمان شدید، ما را دعا کنید، خدا یار و نگهدارتان.

فهرست منابع

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۵.
۲. إرشاد القلوب، جلد ۱، صفحه ۷۴.
۳. عیون الحکم و المواعظ، جلد ۱، صفحه ۶۲.
«الصَّبْرُ عَلَى الْفَقْرِ مَعَ الْعِزِّ أَجْمَلُ مِنَ الْغِنَى مَعَ الدُّلِّ».
۴. سوره نساء، آیه ۶.
۵. سوره فجر، آیه ۱۵.
۶. سوره ضحی، آیه ۹.
۷. سوره معارج، آیه ۲۴ و ۲۵.
۸. سوره لقمان، آیه ۱۵.
۹. سوره نساء، آیه ۴۸.
۱۰. سوره نور، آیه ۳۲.
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۸۰.
۱۲. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد ۶۳، صفحه ۴۳۸.
۱۳. سوره عنكبوت، آیه ۴۵.
۱۴. سوره ابراهیم، آیه ۷.